



۲۰۲۰/۰۸/۱۱



اختر محمد یوسفی

لویه جرگه نباید وسیله پوشاندن کثافات اجیران بیگانه باشد

« فیلسوفی که می خواهد در افکار عامه مداخله کند، دیگر او فیلسوف نیست، بلکه سیاستمدار است؛ او دیگر نه تنها حقیقت، بلکه قدرت می خواهد. » («هنا آذیندت»).

لویه جرگه رسم کهن و پر افتخار در افغانستان است که در نبودن قانون اساسی و عدم موجودیت ساختار دولتهای مدرن، در هنگام نیازمندیهای مهم و حیاتی مشخص در کشور، بکار برده شده است. لویه جرگه های واقعی در افغانستان در وقت ضرورت خاص و مشخص مانند شرکت و یا عدم شرکت در جنگ، تعیین زعیم ملی برای رهبری کشور، تصویب قانون اساسی بخصوص تغییر در سیاست خارجی در تاریخ گذشته افغانستان در مورد مسایل حاد و مشخص کشور ضرورت شمرده می شد و از آن کار گرفته شده است. در تعریف و محتوای لویه جرگه یک اصل وجود دارد، در تعریف و محتویات لویه جرگه مفاهیم و عناوین "لویه جرگه مشورتی" وجود ندارد. آنچه را که رهبران تنظیم های "جهادی" از خود به اسم "لویه جرگه مشورتی" اختراع کرده اند اعتبار قانونی ندارد.

نخستین جرگه در سال ۱۱۶۰ هجری (۱۷۴۷ میلادی) برگزار شد. این جرگه سرنوشت و آینده کشور را رقم زد، پس از کشته شدن نادر افشار، در ماه اکتبر ۱۷۴۷ در مزار شیر سرخ، در داخل قلعه نظامی نادر آباد در خارج شهر قندهار برگزار شد و ۹ روز دوام کرد. پس از ۹ روز مباحثه میان سران اقوام کشور، احمدشاه ابدالی بحیث زعیم کشور انتخاب شد.



لویه جرگه کابل (۱۲۵۷/۱۸۴۱)

این لویه جرگه در آستانه جنگ اول افغان و انگلیس، در اول نوامبر سال ۱۸۴۱ در محله شوربازار کابل برگزار گردید و دوازده نفر عضو داشت. محمد زمان خان (برادر زاده امیر دوست محمد خان) به عنوان نایب رئیس و امین الله خان لوگری به عنوان معاون او برگزیده شدند. این جرگه، افزون بر نظم دادن به هزاران مجاهد و حل مسایلی از قبیل آذوقه رسانی، طرح حمله و اعلام جهاد توسط علما، روز دوم نوامبر را روز قیام عمومی اعلام نمود.

با تصویب قانون اساسی مدرن سال ۱۹۶۴ میلادی که بر بنیاد شرعی حنفی و قانون عصری فرانسه توسط حقوقدانان افغان و خارجی در افغانستان تصویب گردیده و دولت شاهی افغانستان قانون اساسی مدرن را توشیح نموده است. در همان وقت سه رکن کامل ساختار دولت مدرن افغانستان را اعم از قضا (ستره محکمه)، پارلمان (ولسی جرگه و مشرانو جرگه)، تشکیل کابینه (وزرا) حکومت را بوجود آورد. قضا افغانستان در وجود محاکم ثلاثه و ستره محکمه و موجودیت قاضی القضاة رکن مستقل قضا عرض نموده است، با تشکیل پارلمان در افغانستان رکن قانون گذاری آن تکمیل گردیده است، اعضای حکومت (وزرا کابینه) با پیشنهاد رئیس دولت حکومت موظف با اخذ رأی اکثریت اعضای پارلمان باید انتخاب شود، معمول گردیده است. امور اجراء دولتی کشور توسط سه رکن ساختار دولت مدرن افغانستان به خوبی به پیش برده شده می تواند. در افغانستان دیگر برای اجرای امور دولتی ضرورت به تدویر لوی جرگه وجود ندارد.

قانون خودش مندرجات حقوقی ایست که در عمل خود بخود پیاده نمی شود، بلکه عملکرد قانون توسط رهبران حاکم در کشور در عمل باید پیاده شود، تا مندرجات قانون در نتیجه عملکرد خود بتوانند برای سعادت جامعه تطبیق شود. عدم تطبیق قانون، عدم اجرای مکافات و مجازات مطابق مندرجات قوانین در افغانستان عملاً خیانت ملی شمرده می شود.

« انسان ها را ، آن طوری که هستند، بپذیرید، دیگر وجود ندارد» («کونراد ادیناور»)

بیش از چندین دهه است که انتخابات شورای ملی در افغانستان آغاز گردیده است، موجودیت پارلمان چه خوب باشد و یا چه بد مرجع قانونگذاری در افغانستان میباشد، ستره محکمه تشکیل گردیده و قاضی القضاة موجود است، اعضای کابینه حکومت باید در اثر پیشنهاد رئیس دولت و معرفی شان به پارلمان تصویب شوند. این دولتها فاسد هستند که برای منافع شخصی و حلقوی خود منافع بیگانگان را که دولت های اجبر توسط کشورهای خارجی حمایت میشوند، قانون و منافع ملی کشور زیر پا میکنند. با روی آمدن دولتهای تنظیم های "جهادی" در افغانستان بعد از سال ۱۹۹۲ میلادی تا اکنون در بسیاری موارد قانون اساسی و سایر قوانین کشور عملاً در نظر گرفته نشده است. رهبران تنظیم های "جهادی" در افغانستان خود را مرجع قانون میدانند و از شکم خود اختراعات غیرقانونی را مورد اجرا قرار داده اند، که با قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان هیچگونه مطابقت ندارد.

پیش کشیدن و یا نام گذاشتن "لویه جرگه مشورتی" را حامد کرزی در وقت امضای پیمان ستراتیژیک افغانستان با ایالات متحده امریکا رویکار نمود، با آنکه جرگه و یا تجمع افراد مذکور به پیمان ستراتیژیک افغانستان با ایالات متحده امریکا رأی موافق داده بودند، مگر حامد کرزی مطابق فیصله جرگه پیمان ستراتیژیک با امریکا را امضاء نمود و آنرا به دولت بعدی واگذار کرد که در وقت ریاست جمهوری اشرف غنی توسط اتمر امضاء گردید.



جنگ در افغانستان جنگ مردم افغانستان نیست، بلکه مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان در نتیجه جنگ بیگانگان اعم از پاکستان، ایران و رقابتهای منطقوی و بین المللی که در طی پنج دهه اخیر جریان دارد میسوزند. طالبان، داعش، فاطمیون و غیره گروه های افراطی "مذهبی" بقایا و ادامه اهداف پاکستان، ایران و کشورهای رقیب منطقه و جهان است که برای منافع خارجیها به کمک رهبران تنظیم های "جهادی" جنگ طلب در افغانستان ادامه دارد. پروسه مذاکرات "صلح" امریکا با طالبان برای خروج قوای امریکا و

ناتو از افغانستان با وساطت پاکستان ادامه دارد. امضای تفاهمنامه قطر در بین امریکا و طالبان هیچگاهی به صلح واقعی و تأمین عدالت در افغانستان نمی انجامد. پاکستان در تداوم جنگ و ویرانی در افغانستان تنها نام طالب را به داعش تعویض میکند، داعش وحشی ترین نیروی مجهز جنگ طلب افراطی "اسلامی" اند که در دسترس دشمنان مردم افغانستان قرار دارد. پاکستان میخواهد که زندانیان رها یافته طالبان را بر آنها علاوه نمایند تا گروهی داعش در جنگ تباہ کن داعش اهداف ستراتیژیک پاکستان را بدست آورد.

جای هیچ شک وجود ندارد که صلح واقعی و تأمین نیاز مبرم مردم افغانستان است. مگر صلح افسانه نیست بلکه حقیقت تلخ است که با خوشبینیهای بی اساس بدون در نظر داشت اختلافات بنیادی میان طالبان و "دولت" چند دسته افغانستان با تدویر مذاکرات بین الافغانی بدست آمدن آن ناممکن است. شیوه های بکار برد ناقص و فضای خشم و خون موجود طرفین در مسیر تأمین "صلح" واقعی و پایدار سراب تشنه گان است، که تشنه گان برای یافتن آب بیابان را بی نتیجه

گز و پل می کند. طالبان گروهی مستقل سیاسی نیستند که بتوانند با "دولت" چند دسته افغانستان اختلافات و تضاد های عمیق ایدئولوژیک خود را در چارچوب منافع ملی افغانستان حل کنند.

عبدالله فضای اختناق پولیسی جرگه را مانند لویه جرگه ماه می سال ۲۰۰۲ میلادی که شورای نظار طرفداران اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در تالار لویه جرگه تهدید میکردند بمراتب شدیدتر بوده است. اعتراضات مسالمت آمیز معترضین را با لت و کوب و دادن فحش که خصلت این اوباشان است به پیش برده است. خاک زدن به چشم مردم هم از خود اندازه دارد، دولت جعل کار افغانستان به اکثریت قاطع اشتراک کنندگان "جرگه" (۳۵۰۰) سه هزار پنجصد نفری حتی فهرست اسمای (۴۰۰) تن خطرناکترین جنایتکاران و مجرمین طالب و شبکه حقانی با معلومات مختصر جرم پیرامون مجرمین چون عاملان قتل عام انفجار چهار راهی زنبق شهر کابل را هم نه سپرده است. برای اشتراک کنندگان "جرگه" (۳۵۰۰) سه هزار پنجصد نفر فقط جمعی گفته شده که (۴۰۰) چار صد تن فرشتگان طلبای کرام باید رها شود ورنه جنگ ادامه تن فرشتگان طلبای کرام تا نابودی ادامه می یابد. اشتراک کنندگان "جرگه" (۳۵۰۰) سه هزار پنجصد نفری بیخبر از تمام جرایم مجرمین که قاتلین بالفعل هزاران هموطن بیگناه افغان هستند نظر تأیید داده اند. اشرف غنی در صحبت روز اختتامیه جرگه فریاد میزد که جرگه راه را برای امضای فرمان رهایی (۴۰۰) زندانی طالبان که جرایم حق العبدی دارند مهیا نموده اند، این بیان اشرف غنی کاملاً نادرست است، هیچ مرجع بجز حق العبد صلاحیت عفو مجرمین جرایم حق العبدی را ندارند.

" وقت شما محدود است، بناءً آنرا بدین گونه ضایع نکنید که زندگی دیگری را به پیش ببرید. نگذارید که در دام عقاید تعصب آمیز بیفتید. اجازه ندهید، که نظرات دیگران صدای درونی شما را خفه کند. مهمترین آنست، که شما این جرأت را داشته باشید، از قلب و درک مستقیم خود پیروی کنید. تمام موضوعات دیگر فرعی است." (ستیو جابز)

در طی پنجاه سال اخیر با عرض وجود دولتهای که با اثر مداخلات بیگانگان در افغانستان زمامداران و پافشاری دولتهای خارجی در رأس امور دولتی کشور نصب شده است بحران جنگ و خونریزی را در کشور تشدید نموده است. نصب زمامداران در رأس امور دولتی افغانستان با پافشاری علنی دول خارجی مانند انتصاب حامد کرزی در کنفرانس بن و یا تشکیل حکومتات "وحدت ملی" در دو دوره ریاست جمهوری اشرف غنی توسط دولتهای خارجی صدمات جبران ناپذیری با اعتبار زعامت رهبری ملی کشور وارد نموده است. زمامداران که در رأس امور دولتی افغانستان با پافشاری علنی دولت خارجی نصب شده اند پایه های اجتماعی مورد اعتماد در بین ملت نداشتند، آنان از ترس از دست دادن تخت و تاج خود را با تهدید و خطر می بینند. چنین دولتها و زمامداران مفسد تصور میکنند که گویا "لویه جرگه مشورتی" تابلیت آسپیرین بایر است برای هر مرض دوا است دایر شود.

از نظر قانون اساسی "لویه جرگه مشورتی" در تاریخ حوادث کشور وجود نداشته است. "لویه جرگه مشورتی" هیچ نوع صلاحیت حقوقی و قانونی ندارد که بتوانند چنین زمینه را برای رهایی مجرمین جرایم حق العبدی مساعد سازد. پیش کشیدن و یا نام گذاشتن "لویه جرگه مشورتی" مرجع حقوقی نیست.

باید پیشوند کلمه لویه جرگه از کلمه مشوره کاملاً مجزا بکار برده شود، در غیر آن استعمال اسم "لویه جرگه مشورتی" به حیثیت و اعتبار لویه جرگه عنعنوی در افغانستان صدمه بزرگ میزند که بذات خود عملکرد بر ضد قانون کشور شمرده می شود.

"لویه جرگه مشورتی" هیچنوع معیار و اعتبار قانونی ندارد، این تجمع فقط مشوره است که میتواند با چند فرد اهل خبره و دانشمندان هم صورت گیرد. باید بدون تأخیر کلمه لویه جرگه از پیشوند کلمه مشوره به زودترین فرصت حذف شود.



مطالب بیشتر از این نویسنده، لطفاً اینجا کلیک کنید!